



## اتحاد وجود و معرفت: زمینه ای برای توسعه علوم میان رشته ای

دکتر محمد حسن میرزامحمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر باهدف تحلیل و تبیین اندیشه فیلسوفان در موضوع اتحاد وجود و معرفت، و استنتاج دلالت های آن برای توسعه علوم میان رشته ای به انجام رسیده است. روش های مورد استفاده در این تحقیق، شامل روش تحلیل مفهومی و استنتاجی می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که وجود و معرفت، در اندیشه فیلسوفان یونان باستان از اتحاد کامل برخوردار بوده است. پس از ارسطو تا زمان حاضر، این اتحاد از میان برخاسته و این دو از یک دیگر منفک شده اند. در دوره معاصر، از میان فلاسفه غربی هایدگر، و از میان فیلسوفان مسلمان ملاصدرا، بار دیگر به احیاء این اتحاد اهتمام جدی داشته اند. به طور کلی می توان از اتحاد وجود و معرفت در دیدگاه این دو فیلسوف، نتایج قابل توجهی برای وحدت علوم و توسعه علوم میان رشته ای گرفت. در اندیشه این دو فیلسوف، غایت معرفت، ظهور و کشف وجود است. بر این اساس غایت علوم مختلف هم رسیدن به حقیقت می باشد. این غایت مشترک، می تواند سنگ بنای اتحاد علوم باشد، آن ها را از حالت شبه جزیره ای خارج نماید و به حالت بین رشته ای درآورد. این سنگ بنا در فلسفه هایدگر در وابستگی وجود و آگاهی در درون دازاین، و در فلسفه ملاصدرا در مساوقت و ملازمت وجود حضوری و علم حضوری فهم می شود.

کلمات کلیدی: اتحاد وجود و معرفت، علوم میان رشته ای، هایدگر، ملاصدرا

### ۱-مقدمه

نظام فکری معاصر که برآیند اندیشه های فلسفی دوران جدید است، مبتنی بر نگرش تفکیکی و تجزیه گرا است. تجزیه گرایی، از ملاحظه "دوگانگی"<sup>۲</sup> آغاز می شود. این دوگانگی از فلسفه دکارت آغاز شده و در تمامی نگرش انسان غربی نسبت به امور ورود کرده و در سر تا سر علوم عجین شده است. این رویکرد، در دوره جدید بر همه علوم، به ویژه علوم انسانی تاثیر گذارده و سبب شده تا پدیده های انسانی بر مبنای "علیت اجتماعی"<sup>۳</sup> یا علیت معطوف به ماده تبیین شود. جدایی اخلاق از علم، یکی از پیامدهای مهم این رویکرد است.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد، ادرس: تهران، بزرگراه خلیج فارس، روبروی مرقد امام (ره)، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، ایمیل: mirzamohammadi@shahed.ac.ir تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۳۷۸۸۹۲

2 dualism

3 social causality



جدایی رشته های علمی موجب عدم درک متقابل دانشمندان و عدم تعامل میان رشته های مختلف ، پاسخ گو نبودن رشته های علمی به مسائل پیچیده و چند بعدی ، محدودیت در علایق پژوهشی ، کاهش آزادی افراد پیرامون رشته های علمی در انتخاب موضوعات پژوهشی ، رشد نامتوازن دانش ، و قطعه قطعه شدن برنامه های موجود شده است ( شعبانی ورکی و بابادی ، ۱۳۹۳ : ۳ ) .

" چاندراموهان " ( ۱۳۸۹ : ۲۵ ) می گوید : " جداسازی تدریجی علم به تخصص گرایی های علمی ، به ضرر رویکردهای جامع و فراگیر ، منجر به " انسان نادان دانا " <sup>۱</sup> شده است . یعنی فردی نادان است ، نه در هیات یک فرد جاهل بلکه فردی کاملاً کژ اندیش که صرفاً در خط خاص خودش عالم قلمداد می گردد . "

برای رهایی از این معضل ، همکاری رشته های مختلف علمی در قرن بیستم ، و تحت عناوین مختلفی مانند " بین رشته ای " <sup>۲</sup> ، " چند رشته ای " <sup>۳</sup> ، " فرا رشته ای " <sup>۴</sup> و بالاخره " میان رشته ای " <sup>۵</sup> به طور جدی مطرح شد . " کلاین " <sup>۶</sup> ( ۱۳۸۹ ) معتقد است که اصطلاح میان رشته ای را اولین بار در دهه ۱۹۲۰ ، اعضای شورای پژوهش علوم اجتماعی استفاده کرده اند . آنان نگران زوال " صورت های کلی دانش " بوده اند .

حامیان آموزش و پژوهش بین رشته ای معتقدند : در مدارس و دانشگاه های امروزی ، یادگیرندگان برای این که بتوانند از عهده شناخت و تحلیل مشکلات پیچیده و متکثر برآیند ، نیازمند وسعت بخشیدن به دانش ، ظرفیت های ذهنی ، و مهارت های تصمیم گیری در عمل هستند . به نظر آنان ، تخصص های واگرا و ذهن های تقلیل گرا قادر به شناخت ، فهم ، و تحلیل پدیده ها و محیط های پیچیده جامعه و جهان جدید نیستند . بنابراین ، باید نسبت به این گونه پدیده ها و محیط ها ، بینش جامع نگر و مهارت های میان رشته نگر داشت ( خورسندی طاسکوه ، ۱۳۸۸ : ۸۶ ) .

از میان فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر ، دو تن از نمایندگان مشهور مکتب لندن ، یعنی " پیترز " <sup>۷</sup> ، و " هرست " <sup>۸</sup> به انتقاد از تخصص گرایی افراطی پرداخته و ارمان " شخص فرهیخته " <sup>۹</sup> را کسب " اشکال دانش " <sup>۱۰</sup> ، دانش " <sup>۱۱</sup> ، از طریق " آموزش و پرورش آزاد " <sup>۱۱</sup> می دانند . این دو معتقدند که کسب دانش در وهله اول ، نه برای رسیدن به تخصص ، بلکه برای توسعه و ازادسازی ذهن انسان است . بر این اساس ، فرد باید به کسب اشکال

1 the foolish man wise

2 cross disciplinary

3 multi-disciplinary

4 trans -disciplinary

5 inter- disciplinary

6 Klein

7 Peters

8 Hirst

9 educated man

10 forms of knowledge

11 liberal education



دانش پردازد و بتواند با فهم ارتباط میان آن اشکال ، به یک چارچوب ذهنی مناسب برسد ( میرزامحمدی و همکاران ، ۱۳۹۳ ) .

با توجه به مراتب فوق ، در تحقیق حاضر، دو سؤال پژوهشی به شرح زیر صورت بندی شده اند :

سؤال اول : اتحاد وجود و معرفت در اندیشه فیلسوفان غربی و مسلمان چه جایگاهی دارد ؟

سؤال دوم : اتحاد وجود و معرفت چگونه می تواند زمینه توسعه علوم میان رشته ای را فراهم نماید؟

## ۲- روش

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر ، " روش تحلیل مفهومی " <sup>۱</sup> و استنتاجی می باشد . هدف روش تحقیق مفهومی یا تحلیل فلسفی ، عبارت است از فهم و بهبود بخشیدن به مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که ما بر حسب آن ها تجربه را تفسیر می کنیم ، مقاصد را بیان می کنیم ، مسائل را ساخت بندی می کنیم ، و پژوهش ها را به اجرا در می آوریم (باقری و همکاران ، ۱۳۸۹) . به این ترتیب ، در تحقیق حاضر ، به تحلیل مفهوم اتحاد وجود و معرفت پرداخته شده ، موارد استفاده و شرایط و ابعاد گسترده تر و از نظر معنا عمیق تر آن ، مورد تحلیل مفهومی قرار گرفته است .

روش تحقیق تحلیل مفهومی ، خود به سه صورت اصلی قابل اجرا است که شامل "تفسیر مفهوم" <sup>۲</sup> ، "مفهوم پردازی" <sup>۳</sup> ، و "ارزیابی ساختار مفهوم" <sup>۴</sup> می باشد ( پیشین ) . در تفسیر مفهوم ، هدف پژوهشگر ، دست یافتن به تفسیر عینی قابل دفاع از یک اصطلاح که آن هم مستلزم فهم معتبری از استفاده یا معنای آن در زبان عادی است ، می باشد . در مفهوم پردازی ، مفاهیم نوین ایجاد می گردد ، به خصوص در مواقعی که مفاهیم موجود دارای ابهام باشد و نیازمند مفهوم پردازی جدید باشند . در ارزیابی ساختار مفهوم ، علاوه بر فهم ، ساختار مفهومی زیرساز یک نظریه ، الگو ، برهان ، یا یک برنامه پژوهشی مد نظر است ، تعیین کفایت یک ساختار مفهومی برای استفاده در یک تحقیق تربیتی نیز جزء غایات آن به حساب می آید .

در تحقیق حاضر ، که هدف آن زمینه یابی برای توسعه علوم میان رشته ای ، با طرح مبحث اتحاد وجود و معرفت می باشد، از میان انواع روش های تحقیق مربوط به تحلیل مفهومی ، از تفسیر مفهوم استفاده شده است . چرا که هدف اساسی تحقیق ، در وهله اول ، دستیابی به تفسیری عینی و قابل دفاع از اصطلاح اتحاد وجود و معرفت و در وهله دوم ، استنتاج زمینه های آن در توسعه علوم میان رشته ای می باشد . به این ترتیب ، در این تحقیق ، گام های انجام تحلیل مفهومی ( از نوع تفسیر مفهوم ) به ترتیب زیر ، طی شده است :

1 - conceptual analysis

2 - concept development

3 - concept interpretation

4 - conceptual structure assessment



الف) در ابتدا، مفهوم و جایگاه علوم میان رشته ای مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته و حدود و دامنه آن تعیین شده است. ب) سپس اتحاد وجود و معرفت از منظر فیلسوفان مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. ج) آن گاه، زمینه های آن در توسعه علوم میان رشته ای احصاء و معرفی شده اند.

### ۳- یافته ها

پاسخ به سؤال اول تحقیق: اتحاد وجود و معرفت در اندیشه فیلسوفان غربی چه جایگاهی دارد؟  
قرار دادن معرفت شناسی (اپیستمولوژی) <sup>۱</sup> در مقابل (انتولوژی) <sup>۲</sup>، موضوع دوره جدید در غرب است. در یونان قدیم، "فوزیس" <sup>۳</sup> که مشتمل بر کل هستی است، با "لوگوس" <sup>۴</sup> که در بر دارنده مفاهیم بزرگی مانند کلمه، سخن، خرد، و به طور کلی معرفت می باشد، با یک دیگر یکی هستند. در این خصوص، اشاره به عبارت هایی از پارمنیدس می تواند به توضیح بحث کمک کند. "ان چه درباره آن می توان اندیشید فقط هستی است و نیستی اندیشه کردنی نیست"، "....."، "....." زیرا اندیشیدن و هستی هر دو همان است، "....." لازم است گفتن و اندیشیدن که هستند هست. اندیشیدن همان اندیشه است که هست (خراسانی، ۱۳۷۰: ۱۵۰). بنابراین از سخنان وی می توان به این نتیجه رسید که در فلسفه یونان باستان، "وجود عین تفکر، و حقیقت" الهه تیا <sup>۵</sup>، ظهور و کشف وجود بوده است.

در اندیشه افلاطون نیز میان شهود "نوس" و "ایده" وحدت برقرار است. وی در رساله تئتت (۱۳۵۰) معتقد است که تنها معرفت حقیقی، معرفتی است که منشاء آن تذکر اعیان و حقایق (ایده های) اشیاء است. روح انسان قبل از این که به قالب تن درآید، شاهد و ناظر آن بوده است. انفکاک وجود و معرفت، تا حدود زیادی با ارسطو آغاز شد. وی حقیقت را به معنی صدق قضیه یا حکم دانست. به نظر او، اگر قضیه با وجود مطابق باشد، صادق است و در غیر این صورت باطل می باشد. این دیدگاه ارسطو به "نظریه مطابقت" <sup>۶</sup> معروف شده است. در نزد افلوپتین، در اکتوم دوم (عقل)، وجود و معرفت با هم یکی می شوند.

در قرون وسطی، وحدت وجود و معرفت، یا هستی و شناخت دیده نمی شود. زیرا اعتقاد بر آن بوده است که عقل بشری به دلیل نقص و عجز، نمی تواند هستی را آن چنان که هست بشناسد. در این دوره، ادراک و اندیشه بشری جز اشراق و نورانیت و ظهور نیست و منشاء این اشراق و ظهور، خداوند است.

در فلسفه جدید، انفکاک وجود و معرفت تداوم می یابد به گونه ای که در اندیشه دکارت، عین و ذهن از هم

1 epistemology

2 ontology

3 fuisis

4 logos

5 aletheia

6 correspondence theory



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



جدا می شوند و در نظریه کانت ، اصالت معنی استعلایی مطرح می شود . به طور کلی ، در این دوره ، در هر دو جریان تجربه گرا و عقل گرا ، تقابل میان ابژه و سوژه یا جهان و انسان دیده می شود . در فلسفه معاصر ، هایدگر به فلسفه یونان قدیم باز می گردد و از این جهت یک فیلسوف نوآور است . برای او ، معرفت یکی از شئون وجودی انسان است . وی معتقد است ( ۱۳۹۴ ) ما علم حضوری یا ادراک بی واسطه را می یابیم . علم حضوری قابل تقسیم به بدیهی و اکتسابی نیست و این تقسیم بندی به علم حصولی مربوط می شود که در آن از صدق و کذب ، یا شک و ظن و غیره بحث می شود . اگر حقیقت را مطابقت کامل عالم و معلوم یا اندیشه و هستی بدانیم ، فقط در علم حضوری یا ادراک بی واسطه یافت می شود زیرا در آن ، فاصله میان عالم و معلوم از میان برداشته می شود . البته باید گفت که علم حضوری نزد هایدگر را نباید با معنایی که از آن در فلسفه اسلامی مراد می شود یکی گرفت . علم حضوری برای هایدگر ، ورای فلسفه بوده و فلسفه فرع بر آن است . فیلسوفان مسلمان به طور کلی از دو منظر برهان و عرفان به مساله اتحاد وجود و معرفت پرداخته اند . از میان این فیلسوفان ، می توان به ابن سینا و ملاصدرا اشاره نمود :

ابن سینا این وحدت را فقط در مورد ذات واجب تعالی می پذیرد و در مورد انسان به این موضوع معتقد نمی باشد . او بین وجود انسان و علم وی فرق می گذارد و علم انسان را عارض بر ماهیت او می داند . ابن سینا علم را در زمره ماهیات و از مقوله کیفیت می داند و بحث های مربوط به علم را ذیل کیف نفسانی مطرح می کند . او علم را حاصل انطباع صورت چیزی در نفس می داند (ابن سینا ، ۱۳۶۳) .

ملاصدرا نیز از این منظر ، مانند سایر فیلسوفان اسلامی ، وجود خدا را عین معرفت ، و معرفت را عین وجود او می داند . اما به دلیل اعتقاد به حرکت در جوهر ، تحول در مراتب معرفت را نیز برای انسان ممکن می داند . به نظر ملاصدرا ، شناخت ، محصول تکامل نفس است . وی معرفت را نحوه ای از برخورد وجود تلقی می کند و نفس انسان را در هر مرحله از معرفت ، با موضوع خود متحد می داند و وقتی به مرحله شناخت عقلی می رسد ، هنگام تعقل نه تنها با معقول مجرد بلکه با عقل فعال یا عقل مفارق نیز متحد می شود و به این ترتیب ، خودش نیز به مقام مجرد می رسد . پیمودن راه شناخت و معرفت ، همانا پیمودن راه تجرد از جهان مادی به جهان عقلی و معنوی است ( سلیمانی املی ، ۱۳۹۴ ) .

پاسخ به سؤال دوم تحقیق : اتحاد وجود و معرفت چگونه می تواند زمینه توسعه علوم میان رشته ای را فراهم نماید؟

برای پاسخ به این سؤال ، از میان فیلسوفان غربی ، هایدگر ، و از میان فیلسوفان مسلمان ، ملاصدرا انتخاب می شوند . این دو فیلسوف در کامل ترین و وسیع ترین معنای ممکن ، به اتحاد وجود و معرفت معتقد هستند . پس از بررسی این موضوع در اندیشه دو فیلسوف ، دلالت های این اندیشه ها در توسعه علوم میان رشته ای معرفی



خواهد شد .

هایدگر در «هستی و زمان» (۱۳۸۹) ، که مهم ترین اثر وی به شمار می آید ، موضوع وجود را مطرح می کند . وی ، وجود و حقیقت را در پیوند با یک دیگر دانسته و حقیقت را همانا نمایان شدن وجود شمرده شده است. حقیقت ، همانا از پنهانی بیرون آوردن بود. به نظر هایدگر ، فلسفه گفتگوی انسان و وجود ، خطاب بودن به انسان، و نیز شنیدن ندای وجود موجود وهم سخنی با آن است. فلسفه از نظر هایدگر با بررسی هستی انسان آغاز می شود. انسان چون موجودی که بودن او ، همان در جهان بودن است. هایدگر واژه "دازاین" <sup>۱</sup> را به معنی «در آنجا بودن» برای انسان به کار می برد. انسان می تواند از «وجود» آگاه شود و آگاهی وی از خود ، وابسته به آن است. همچنین، «وجود» برای آشکار شدن نیازمند انسان است. انسان موجودی زمان مند است.

از نظر هایدگر، برای پرداختن به وجود باید به موجودی پرداخت که در بند وجود است و آن انسان است. او موجودی است که چگونگی وجود او وابسته به توجه او به وجود خود است و آگاهی او به خود ، در پرتو آگاهی او به وجود و در پیوند با آن است. برای پرداختن به وجود باید به تحلیل وجود انسان یا دازاین پرداخت ، دازاین به معنای حضور انسان در شرایط ، یعنی در میان سایر موجودات است. دازاین موجودی است زمان مند و زمان مندی همانا معنی وجود اوست. زمان افقی است که هرگونه وجود از آن افق دیده ، فهمیده و تفسیر می شود. هرگونه وجود ، باید از جنبه زمانی و از افق زمان نگریسته و بررسی شود (نقیب زاده ، ۱۳۸۷ : ۱۸۵-۱۸۲).

از نظر هایدگر، وجود شناسی باید کار خود را با تحلیل هستی انسانی آغاز کند. هایدگر معتقد است که دازاین در جهان است، به معنای منزل گزیدن ، مقیم بودن ، سروکار داشتن و در بند ارتباط بودن. انسان به عنوان فاعل شناسا و موضوع شناسایی حالت «دکاریتی» ندارد که از خود بیرون رود تا بتواند چیزی را بشناسد. هایدگر می گوید انسان هم بیرون می رود هم در درون می ماند. انسان از جهان فاصله ندارد بلکه در آن است. جهان «در دست» <sup>۲</sup> انسان است و انسان با آن ها زندگی می کند. واقعیت زندگی انسان و کار طبیعی او در فاصله گرفتن ، نگریستن ، سنجیدن و اندازه گرفتن نیست بلکه در تماس نزدیک او با چیزهایی است که در میانش گرفته اند. جهان هایدگر، جهان ابژکتیو نیست بلکه وابسته به دازاین، و وجهی از وجود است. این جهان هم شامل چیزها ، و هم کسان است ( پیشین : ۱۹۵-۱۸۹).

ملا صدرا علم را ابداع نفس می داند . علم یک وجود مجرد از ماده و خارج از مقوله ماهیت است و از جمله اعراض یا صفات نفس نیست ، ادراکی است که برای نفس حاصل می شود . شرط چیزی برای دیگری این نیست که در ان حلول کند یا وصف ان باشد . مناط عالم بودن هر چیزی نسبت به چیز دیگر ، این است که صورت ان برایش حاصل شود ( صدر المتالهین شیرازی ، ۱۳۷۸ ، ج ۳ ، : ۲۶۵ ) . به این ترتیب نفس متصف به علم نیست و علم

1 dasein

2 -handiness



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



در نفس حلول نمی کند یا بر آن عارض نمی شود بلکه نفس فاعل مخترع علم است .  
از نظر ملاصدرا ، علم با وجود مساوق است . وی برای اثبات این موضوع ، استدلال می کند که علم از شئون واجب الوجود و از صفات کمالیه ای است عین ذات واجب می باشد . و چون واجب از ماهیت میراست ، پس علم از سنخ وجود و مساوق وجود است ( پیشین ، ج ۱ ، ۱۱۸ : ج ۷ : ۱۵۳ ) .

یکی از نتایج اصل مساوق علم با وجود ، این است که تمام موجودات هستی بر حسب درجه وجودی شان از علم برخوردارند . نتیجه دیگر ، دانش حضوری یا شهودی و به خصوص مفهوم حضور است . " حضور " ، در مقام ادراک انسان از ذات خویش مبنایی است که طرح معرفت شناسی و انسان شناسی صدرایی را به هم پیوند می زند . علم که مجرد و مساوق با وجود می باشد ، حقیقتی تشکیکی است که دارای دو مرتبه حصولی و حضوری است . علم حضوری چون به طور مستقیم و با شهود خود واقعیت حاصل می شود ، برتر از علم حصولی است . ادراک حضوری قبل از ملاصدرا نیز مطرح بود ، اما یکی از انواع علم به حساب می آمد که حوزه خاصی از ادراکات بشری را فرا می گیرد . در حالی که معرفت شناسی و انسان شناسی ملاصدرا بر " حضور " بنا شده است . خود آگاهی و حضور ذات برای ملاصدرا صرفاً یکی از انواع ادراک نیست ، بلکه حقیقت انسان است . اساساً حضور ، حقیقت عالم انسانی است ، چون عالم انسان ، عالم حضور است ( علم الهدی ، ۱۳۸۹ : ۱۸۸ ) .

انسان در فلسفه ملاصدرا شناسنده حضور نیست بلکه وجود او حضوری است ، زیرا حضور همان علم نفس به خویش است و مادامی که انسان علم به خویش ندارد ، اساساً حضور و وجود هم ندارد . علم نفس به نفس ، مساوق وجود نفس است .

نظریه اصالت وجود ملاصدرا مخالف تفکیک و تجزیه علوم است . در این نظریه ، کثرت های متباین جهان ، به یک وحدت بنیادین ارجاع داده می شوند . بر اساس اصل وحدت تشکیکی در نظریه اصالت وجود ، تنوع و تکثر ناشی از تشکیک در حقیقت یگانه وجود است که بر حسب سلسله مراتب شدت و ضعف ، نقص و کمال ، و تقدم و تاخر ، موجودات متنوع و بسیار را به وجود آورده است . تفاوت موجودات ، ناشی از تمایز مراتب وجودی آن ها است . وجودهای جزئی ، شئون گوناگون حقیقت یگانه ای به نام وجود تلقی می شوند . هر گونه معرفت نسبت به وجودات جزئی در پرتو پیوند آن ها با حقیقت یگانه وجود تکوین می یابد .

نظریه ملاصدرا درباره مساوق علم با هستی ، زمینه دیگری برای طرد انفکاک و تجزیه گرایی می باشد ، زیرا نزد او علم چون هستی ، یک حقیقت تشکیکی است و چهره های متعدد و متکثر دارد . بنابراین شاخه های مختلف علم محتوای گزارش هایی درباره چهره های گوناگون وجود هستند . مساوق علم با وجود نشان می دهد که موجود بودن هرگز از معلوم بودن جدا نیست .

با توجه به مراتب فوق ، مشاهده می شود که می توان از اتحاد وجود و معرفت در دیدگاه های دیگر و ملاصدرا ،



نتایج قابل توجهی برای وحدت علوم و توسعه علوم میان رشته ای گرفت. در اندیشه این دو فیلسوف، غایت معرفت، ظهور و کشف وجود است. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که غایت علوم مختلف هم " رسیدن به حقیقت " می باشد. این غایت مشترک، می تواند سنگ بنای اتحاد علوم باشد، ان ها را از حالت شبه جزیره ای خارج نماید و به حالت بین رشته ای درآورد. این سنگ بنا در فلسفه های دیگر در " وابستگی وجود و آگاهی در درون دازاین "، و در فلسفه ملاصدرا در " مساوقت و ملازمت وجود حضوری و علم حضوری " فهم می شود. البته دیدگاه دو فیلسوف در خصوص موضوع مورد بحث، اختلافاتی هم با یک دیگر دارند که پرداختن به آن مجال مستقلی می طلبد و به جای دیگری موکول می گردد.

#### ۴- نتیجه گیری

در خصوص رشته های مختلف علمی، می توان نگاه انفکاک‌ی و یا اتحادی را مورد نظر قرار داد و راهبرد برنامه ریزی آموزشی و درسی را بر این اساس مشخص کرد. فلسفه تعلیم و تربیت، به عنوان یک حوزه جهت دهنده، می تواند به برنامه های آموزشی و درسی در این خصوص کمک فراوانی نماید. تحلیل و بررسی دیدگاه های فیلسوفان در خصوص مسائل مختلف هستی شناسی، معرفت شناسی، و ارزش شناسی، و استنتاج دلالت های آن در موضوعات مختلف تربیتی می تواند در تدوین و تنظیم راهبردهای آموزشی کمک کننده باشد. با نظر به مراتب فوق، در تحقیق حاضر، مساله اتحاد وجود و معرفت، از منظر فیلسوفان ادوار مختلف به اختصار بررسی و پس از واکاوی مبسوط تر آن از دیدگاه های دیگر و ملاصدرا، دلالت های آن در توسعه علوم میان رشته ای استنتاج و معرفی شده است. این دو فیلسوف، با نگاه وحدت انگارانه و در عین حال تکثر گرایانه به علوم، زمینه را برای اتحاد آن ها فراهم آورده اند. به نظر برخی از محققان، این نگاه را نه رشته ای و حتی میان رشته ای، بلکه می توان به عبارتی آن را " پیشا رشته ای " دانست. رویکرد پیشا رشته ای به علوم، یعنی قائل بودن به صورتی از وحدت علوم قبل از این که رشته ها به وجود آیند و علوم مستقل شوند (ماحوزی، ۱۳۹۲). در فلسفه های دیگر و ملاصدرا مولفه های از قبل مشخص شده متعددی از جمله ارزش موضوعات و متعلقات شناخت، نقش و غایت این موضوعات در تکامل انسان، و ...، وحدت و ارتباط میان علوم را تامین می کند.

#### Abstract:

Given the problems that created the separation between different sciences, from the third decade of





the twentieth century due to the relationship between science and the development of interdisciplinary science in the world became more prominent. The alliance between sciences, in terms of its philosophical foundations, this study now. In ancient philosophy (before Aristotle), the being and knowledge are the same each other. With the work of some philosophers such as "Descartes" is gradually distanced from the knowledge and the work "Kant" peaked. The new philosophy philosophers who sought to revive again come out of this alliance, which included the ability to "Heidegger" noted. Among the Muslim philosopher, Avicenna, Suhrawardi, and Mulla Sadra is noteworthy. More than two-philosopher Mulla Sadra and knowledge that is available to the Union. Accordingly, the important thing is unity and knowledge, as one of the foundations of science from the perspective of philosopher Union in the field considered, and then the implications for the development of interdisciplinary science are extracted and introduced

Key words: philosophy. Science, being, knowledge, interdisciplinary

## منابع

- افلاطون ( ۱۳۵۰ ) مجموعه آثار، جلد دوم ( تئتت ) ، ترجمه محمد حسن لطفی و محمد رضا کاویانی ، تهران : انتشارات ابن سینا .
- ابن سینا ( ۱۳۶۳ ) اشارات و تنبیهات ، ترجمه حسن ملک شاهی ، تهران : انتشارات سروش ، ج ۲ ، نمط ۳ ، چاپ اول .
- باقری ، خسرو ، سجادیه ، نرگس ، و توسلی ، طیبه ( ۱۳۸۹ )، رویکردها و روش های تحقیق در فلسفه تعلیم و تربیت ، تهران : انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی ، وزارت علوم تحقیقات و فناوری .
- چاندراموهان ، بالساب رامانیام ( ۱۳۸۹ ) یادگیری و تدریس میان رشته ای در آموزش عالی : نظریه و عمل ، ترجمه محمد رضا دهشیری ، تهران : انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی .
- خراسانی ، شرف الدین ( ۱۳۷۰ ) نخستین فیلسوفان یونان باستان ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ دوم .
- خورسندی طاسکوه ، علی ( ۱۳۸۸ ) "تنوع گونه شناسی در آموزش و پژوهش میان رشته ای" ، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ، ۱ ( ۴ ) ، ۵۷-۸۳ .
- سلیمانی املی ، حسین ( ۱۳۹۴ ) فلسفه تطبیقی و تطبیق فلسفی ، تهران : انتشارات علمی فرهنگی .-
- شعبانی ورکی ، بختیار ، و بابادی ، امین ( ۱۳۹۳ ) "تکثر رشته ای : علیه فهم رایج از همکاری رشته ها" ، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ، ۱ ( ۷ ) ، ۱-۲۵ .
- صدرالمطالیهین شیرازی ، محمد ( ۱۳۷۸ ) اسفار ، ترجمه محمد خواجوی ، تهران : انتشارات مولوی . -



## هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



علم الهدی ، جمیله ( ۱۳۸۹ ) نظریه اسلامی تعلیم و تربیت ، چاپ دوم ، تهران : انتشارات دانشگاه امام صادق ( ع ) .-

-کلاین ، جولی تامسون ( ۱۳۸۹ ) فرهنگ میان رشته ای در آموزش عالی ، ترجمه هدایت اله اعتمادی زاده و نعمت اله موسی پور ، تهران : انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی .

-ماحوزی ، رضا ( ۱۳۹۲ ) " رویکرد فارابی و ابن سینا به علوم و تقسیم ان : رویکردی پیشا رشته ای ، رشته ای " ، و یا میان رشته ای ، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی ، ۵ ( ۳ ) ، ۵۱-۳۷ .

-میرزامحمدی ، محمد حسن و همکاران ( ۱۳۹۳ ) نظریه ازادی و آموزش و پرورش ازاد ، تهران : انتشارات دانشگاه شاهد .

-نقیب زاده ، میر عبدالحسین ( ۱۳۸۷ ) نگرش های فلسفی سده بیستم ، تهران : انتشارات طهوری .

- هایدگر ، مارتین ( ۱۳۹۴ ) هستی و زمان ، ترجمه سیاوش ماجدی ، تهران : انتشارات ققنوس .